



چکیده

صدویازدهمین نشست علمی کارشناسی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی

با عنوان «آثار و پیامدهای جنگ اوکراین بر بازار انرژی اروپا»

صدویازدهمین نشست علمی کارشناسی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران با عنوان «آثار و پیامدهای جنگ اوکراین بر بازار انرژی اروپا» با همکاری انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای به شکل مجازی، سه‌شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ برگزار شد. در این نشست دکتر عباس ملکی، دانشیار سیاست‌گذاری انرژی دانشگاه صنعتی شریف و دکتر آرش رئیسی‌نژاد، استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، دیدگاه‌های خود را بیان کردند. مدیر نشست دکتر الهه کولایی بودند.

نخست، دکتر کولایی مقدمه‌ای کوتاه گفتند و از دکتر ملکی دعوت کردند تا دیدگاه‌های خود را بیان کنند. دکتر ملکی در سخنرانی خود با عنوان «آثار و پیامدهای جنگ اوکراین بر بازارهای انرژی در اروپا» گفتند: قاره اروپا از دیرباز به دلیل نیاز به حامل‌های انرژی متفاوت، برای برطرف کردن نیاز بخش‌های اقتصادی و اجتماعی خویش با اتحاد شوروی و روسیه، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و تنش‌زدایی در پیش گرفت. تا جایی که در حدود ۴۰ درصد از تقاضای انرژی قاره سبز را این کشور تأمین می‌کرد. اروپا با منابع سرشاری از نفت و گاز محاصره شده است. از این رو، اعتراض مسئولان اروپایی، ناظر بر هزینه بالاتر برای خرید نفت و گاز است در حالی که اروپا از نظر تأمین انرژی مشکلی ندارد.

تا سال ۲۰۳۰، حامل‌های انرژی فسیلی حرف اول را در حوزه انرژی خواهند زد. گذار به انرژی‌های پاک، کند و همراه با مشکلات پرشمار به‌ویژه در بخش مالی است. از این رو، کشورها و حزب‌هایی که در این زمینه بدون دوراندیشی و احتیاط عمل کردند، در انتخابات پیش

رو وضعیت ضعیفی خواهند داشت. احتمالاً در آمریکا نیز حزب دمکرات به دلایلی از جمله قیمت بالای بنزین و گاز طبیعی، انتخابات میان دوره‌ای دو مجلس و ریاست‌جمهوری پیش‌رو را خواهد باخت. در این میان، ایران می‌تواند بازیگر قابل توجهی در صحنه تأمین نفت و گاز اروپا باشد. به شرطی که مسئله برجام حل شود، حکمرانی در بخش نفت و گاز و برق ایران در تراز کشورهای متوسط ارتقا یابد و دولت از تصدی‌گری خارج شود.

در ادامه، دکتر رئیسی‌نژاد در سخنرانی خود با عنوان «ژئوپلیتیک انرژی و جنگ روسیه و اوکراین» گفتند: اگر بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز و نفت جهان را در یک مثلث جای دهیم، روسیه در هر دو حوزه، یکی از رئوس مثلث است. این مثلث‌ها، مثلث هژمونیک گازی و مثلث هژمونیک نفتی نام دارند و به سه بازیگر اصلی نفت و گاز اشاره می‌کنند. در حال حاضر، روسیه، به ترتیب، حدود یک‌سوم و یک‌چهارم گاز و نفت اروپا را تأمین می‌کند و اصلی‌ترین تأمین‌کننده انرژی اروپا به‌شمار می‌آید. این تجارت انرژی بین اروپا و روسیه بیشتر با خطوط لوله انجام می‌شود که این الگو به شکل‌گیری سیاست خطوط لوله در منطقه منجر شده است و ژئوپلیتیک انرژی در منطقه و جهان را زیر تأثیر قرار داده است. جنگ اخیر میان اوکراین و روسیه سبب افزایش ریسک‌های بین‌المللی و در پی آن افزایش قیمت انرژی در اروپا و جهان شد. روسیه با استفاده از اهرم انرژی توانسته است نوعی بازدارندگی عمومی برای خود ایجاد کند. همین موضوع سبب شده است، واکنش اروپا نسبت به روسیه براساس اجماع شکل نگیرد. زیرا وابستگی کشورهای اروپایی به انرژی روسیه متفاوت است و کشورهای اروپای شرقی نسبت به اروپای غربی وابستگی بیشتری به انرژی روسیه دارند.

روسیه برای افزایش تأثیرگذاری خود در صادرات انرژی، تلاش کرده است مسیرهای صادراتش را متنوع سازد تا با این روش، امنیت عرضه را تضمین کند. تا دو دهه پیش، حدود ۸۰ درصد گاز روسیه از خاک اوکراین به اروپا صادر می‌شد. اما رفته‌رفته با ساخت خطوط لوله جدیدی از جمله بلواستریم، یامال، نورد استریم ۱ و اکنون هم ترک

استریم، سهم اوکراین در ترانزیت انرژی روسیه به اروپا به حدود ۲۵ درصد کاهش پیدا کرده است. می‌توانیم بگوییم یکی از دلایل شکست بازرندگی اوکراین در برابر حمله روسیه، همین کاهش تأثیرگذاری در ژئوپلیتیک انرژی و ازدست‌دادن جایگاه هاب (کانون) انرژی است. با توجه به اینکه روسیه صادرکننده اصلی انرژی به اروپا است و این مسیر نیز بیشتر از کشورهای به جز اوکراین انجام می‌شود، این ذهنیت به رهبران کرملین القاشده که می‌توانند با هزینه کمتری دست به تهاجم بزنند. این موضوع می‌تواند درس مهمی برای رهبران ایران نیز داشته باشد که در کنار تلاش برای نقش‌آفرینی بیشتر در حوزه صادرات انرژی، به فکر تبدیل شدن به کانون انرژی منطقه باشیم تا با این روش، در کنار سودرساندن به همسایگان، نوعی بازرندگی عمومی هم برای کشور ایجاد شود.